
Corporate Governance and Financial Reporting Quality: The Moderating Role of Financial Misconduct

Amir Ata Alizadeh¹ , Akbar Valizadeh Oghani^{2*}

1- M.A in Accounting, Seraj Institute of Higher Education, Tabriz, Iran

Email: amirata622@gmail.com

2- Assistant Professor, * Department of Management and Accounting, Sarab Branch, Islamic Azad University, Sarab, Iran (Corresponding Author)

Email: valizadeh_a@yahoo.com

Received: 2024 January 23

Accepted: 2024 November 21

Abstract

In companies where financial misconduct is prevalent, financial data often lack sufficient accuracy and transparency, leading to reduced stakeholder trust. Moreover, such misconduct weakens corporate governance mechanisms in monitoring and control. The present study aims to examine the impact of financial misconduct on the relationship between corporate governance and financial reporting quality. This research is applied in terms of its objective and belongs to the categories of descriptive-correlational and causal-comparative studies. To achieve the research objectives and test the statistical hypotheses, a five-year period from 2018 to 2022 was examined across 133 companies listed on the Tehran Stock Exchange. Data collection and analysis were conducted using EViews software and the The research findings revealed a significant negative relationship between multiple regression method. institutional ownership and financial reporting quality. Similarly, an inverse and significant independence and financial reporting quality. Financial relationship was observed between board restatements, as an indicator of financial misconduct, had a significant negative impact on the relationship between institutional ownership and financial reporting quality. However, the impact of financial restatements on the relationship between board independence and financial reporting quality was not significant.

Keywords: Institutional Ownership, Board Independence, Financial Reporting Quality, Financial Misconduct, Financial Statement Restatements



مطالعات راهبردی در کسب و کار

دوره ۲، شماره ۳: ۹۰-۶۴

<https://jssb.khalkhal.iau.ir>



حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی: نقش تعدیلی سوء رفتار مالی

امیرعطا علی زاده^۱، اکبر ولی زاده اوغانی*^۲

۱- کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی سراج، تبریز، ایران

پست الکترونیک (amirata622@gmail.com)

۲- استادیار گروه مدیریت و حسابداری، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران (نویسنده مسئول)

پست الکترونیک (valizadeh_a@yahoo.com)

Received: 2024 January 23

Accepted: 2024 November 21

چکیده:

در شرکت‌هایی با سوء رفتار مالی رایج، داده‌های مالی اغلب دقت و شفافیت کافی ندارند که این امر اعتماد ذی‌نفعان را کاهش می‌دهد. همچنین، این رفتارها مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی را در نظارت و کنترل تضعیف می‌کند. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر سوء رفتار مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی و علی-پس‌رویدادی است. برای دستیابی به اهداف پژوهش و فرضیه‌های آماری دوره زمانی ۵ ساله، طی سال‌های ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱، در ۱۳۳ شرکت از شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. به‌منظور انجام محاسبات و فراهم‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم برای تحقیق و همچنین تحلیل آن‌ها از نرم‌افزار ایویوز و روش رگرسیون چندگانه استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین مالکیت نهادی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. همچنین، بین استقلال هیئت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی رابطه‌ای معکوس و معنادار مشاهده شده است. تجدید ارائه صورت‌های مالی به‌عنوان شاخص سوء رفتار مالی، تأثیر معکوس و معناداری بر رابطه بین مالکیت نهادی و کیفیت گزارشگری مالی دارد. با این حال، تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی بر ارتباط بین استقلال هیئت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی معنادار نیست.

کلیدواژه‌ها: مالکیت نهادی، استقلال هیئت مدیره، کیفیت گزارشگری مالی، سوء رفتار مالی، تجدید ارائه صورت‌های مالی

۱. مقدمه

در زمینه فسادهای مالی برجسته در شرکت‌های بزرگ جهان مانند: (ورلداکام^۱، انرون^۲، وایرکارد^۳ و ...) اهمیت مناسب بودن گزارشگری مالی برای اطمینان ذی‌نفعان بسیار بزرگ است. رفتارهای مالی نادرست شرکت می‌تواند منجر به عواقب منفی عظیمی برای سرمایه‌گذاران، کارکنان، مشتریان، تأمین‌کنندگان و کل اقتصاد شود. در گذشته، بسیاری از بحث‌های مطرح شده در این زمینه نشان داده‌اند که مکانیزم‌هایی ممکن است از رفتار غیراخلاقی و فرصت‌طلبانه شرکت‌ها جلوگیری یا حتی کشف کنند (ولته^۴، ۲۰۲۱).

حاکمیت شرکتی از جمله مباحثی است که بر کارکرد واحد تجاری تأثیرگذار می‌باشد که در سال‌های اخیر بیان شده و گسترش یافته است. حاکمیت شرکتی از سازوکارهای کنترل داخلی و خارجی شرکتی به وجود آمده است که مشخص می‌کند یک شرکت چگونه و توسط چه اشخاصی اداره شود و علاوه بر این، ساختاری جهت تدوین اهداف شرکت و راه‌های دستیابی به اهداف و همچنین چگونگی ارزیابی و نظارت بر عملکرد را دربر می‌گیرد (چالاکی و همکاران، ۱۳۹۷). حاکمیت شرکتی به عنوان یک مکانیزم نظارتی است که بر رفتار مدیریت درک می‌گردد و به کنترل منافع سهامداران و مدیران کمک می‌کند و نیز از هر نوع رفتار فرصت‌طلبانه‌ای که احتمال دارد در بلندمدت به زیان سهامداران باشد، پیشگیری می‌کند (مراد زاده فرد و عدیلی، ۱۳۹۰). حاکمیت شرکتی وسیله‌ای است که فعالیت‌های نظارتی را از طریق هیئت مدیره و کمیته حسابرسی به موجب اطمینان از درستی فرایند گزارشگری مالی به وجود می‌آید (خطیب و نور^۵، ۲۰۲۱).

همچنین حاکمیت شرکتی یکی از مهم‌ترین ساز و کارهای نظارتی در شرکت‌ها می‌باشد که با افزایش میزان نظارت می‌تواند باعث کاهش چشمگیری در سوء رفتارهای مالی گردد (آرنابولد^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). تجدید ارائه صورت‌های مالی، رویدادهای تقلب و فعالیت‌های اجرایی را به عنوان سه دسته اصلی سوء رفتار مالی شرکت‌ها شناسایی شده و به عنوان تهدیدی بزرگ برای بازارهای سرمایه هستند (برودی^۷ و همکاران، ۲۰۱۲؛ هامرسل^۸، ۲۰۱۱). از آنجایی که ارائه مجدد صورت‌های مالی یک رویه رایج در زندگی تجاری است و پایگاه‌های داده متعددی وجود دارد، (به عنوان مثال، تجزیه و تحلیل حسابرسی)، محققان دوست دارند تجدید ارائه صورت‌های مالی را به عنوان نماینده سوء رفتار مالی انتخاب کنند (حسنان^۹ و همکاران، ۲۰۱۳). اجرای حاکمیت شرکتی می‌تواند در به حداقل رسانیدن میزان تجدید ارائه صورت‌های مالی کمک مؤثری کند (راسیید و آردانا^{۱۰}، ۲۰۱۴).

از سوی دیگر از جمله ویژگی‌های ایده‌آل یک نظام حاکمیت شرکتی اثربخش، اطمینان یافتن از کیفیت گزارشگری مالی جهت رشد اقتصادی شرکت است (حبیب و جیانگ^{۱۱}، ۲۰۱۵). گزارش‌های مالی با کیفیت، حاوی اطلاعات صحیح، کامل و مفیدی هستند که سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری خود از آن‌ها بهره می‌برند. در سیستم‌های مالی و اقتصادی، نقش کیفیت گزارشگری مالی بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران و همه ذی‌نفعان تأثیر زیادی دارد. کاهش کیفیت گزارشگری

-
1. Worldcom
 2. Enron
 3. Wirecard
 4. Velte
 5. Khatib & Nour
 6. Arnaboldi
 7. Brody
 8. Hammersley
 9. Hasan
 10. Rasyid & Ardana
 12. Habib & Jiang

مالی می‌تواند باعث عدم بهینه‌سازی تخصیص منابع شود. عوامل مختلف می‌توانند بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر گذار باشند (موسوی شیری و همکاران، ۱۳۹۸). از آنجایی که بیشتر معاملات اوراق بهادار به خرید و فروش سهام شرکت‌ها متمرکز است و تحت تأثیر اطلاعات حسابداری و اقلام مالی قرار دارد، توجه سرمایه‌گذاران و دیگران به کیفیت گزارشگری مالی بسیار حیاتی است. همچنین، به دلیل اینکه گزارشگری مالی باید اطلاعات مربوط و قابل اعتماد را برای استفاده‌کنندگان فراهم کند تا در مدل‌های تصمیم‌گیری آن‌ها استفاده شود (مهدوی و رضایی، ۱۳۹۲).

تأثیر سوء رفتار مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی، موضوعی پر اهمیت در عرصه مطالعات حاکمیت شرکتی و حسابداری است. این اطلاعات می‌تواند به افزایش شفافیت و اعتماد عمومی به بازار سرمایه کمک کند. شناخت دقیق‌تر اینکه چگونه حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی به سوء رفتار مالی منتهی شوند، به سرمایه‌گذاران کمک کرده تا ریسک‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها را بهتر ارزیابی کرده و پیش‌بینی کنند. این امر می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر تصمیم‌گیری‌های بهتر نظارتی و مدیریتی شود و به شناسایی بهتر عواملی که سبب سوء رفتار مالی می‌شوند کمک شایانی می‌کند و در نتیجه از تجدید ارائه صورت‌های مالی و تقلب پیشگیری خواهد شد. در این راستا، پژوهشگر به این سوال اساسی پاسخ می‌دهد که سوء رفتار مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی تا چه اندازه تأثیر دارد؟^۱

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کیفیت گزارشگری مالی به میزان دقت، شفافیت و قابلیت اتکای گزارش‌های مالی شرکت‌ها در انعکاس اطلاعات مالی و عملکرد اقتصادی آن‌ها اشاره دارد. این کیفیت نقش اساسی در تأمین اطلاعات دقیق برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان دارد تا بتوانند تصمیمات مالی صحیح‌تری اتخاذ کنند. گزارشگری مالی باکیفیت، پایه و اساسی برای بازارهای مالی کارآمد و قابل اعتماد فراهم می‌کند، و می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد و جامعه داشته باشد. گزارشگری مالی باکیفیت دارای ویژگی‌هایی همچون قابلیت اتکا، شفافیت، بی‌طرفی و مربوط بودن اطلاعات است. قابلیت اتکا بدین معناست که اطلاعات مالی باید معتبر و قابل تأیید توسط ناظران خارجی باشند. شفافیت به وضوح و قابل فهم بودن اطلاعات اشاره دارد و ذی‌نفعان باید بتوانند به آسانی داده‌ها را تحلیل کنند. بی‌طرفی نیز ایجاب می‌کند که داده‌ها بدون جانبداری و انحراف ارائه شوند تا تصویری واقعی از وضعیت مالی شرکت نشان داده شود. همچنین، مرتبط بودن به معنی ارائه اطلاعاتی است که برای تصمیم‌گیری اقتصادی ذی‌نفعان مفید و کاربردی باشد (دجو و همکاران^۱، ۲۰۱۰). گزارشگری مالی باکیفیت مزایای گسترده‌ای برای سازمان‌ها و اقتصاد به همراه دارد. افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران یکی از این مزایا است، چراکه سرمایه‌گذاران به داده‌های شفاف و دقیق برای ارزیابی ریسک و بازده نیاز دارند. همچنین، کیفیت بالای گزارشگری مالی به کاهش هزینه‌های سرمایه‌کمک می‌کند، زیرا شرکت‌هایی که گزارشگری شفاف‌تری دارند، می‌توانند با نرخ‌های بهره کمتری وام بگیرند و جذب سرمایه بیشتری کنند. علاوه بر این، گزارشگری مالی باکیفیت می‌تواند به کاهش تقلب و سوءاستفاده مالی منجر شود و به ثبات سیستم مالی کمک کند (چن و همکاران^۱، ۲۰۲۱). هرچند که گزارشگری مالی باکیفیت دارای مزایای قابل توجهی است، اما چالش‌هایی نیز در راه دستیابی به آن وجود دارد. یکی از مشکلات اصلی، پیچیدگی استانداردهای حسابداری و گزارشگری است که ممکن است باعث شود برخی از شرکت‌ها در اجرای صحیح این استانداردها دچار مشکل شوند. همچنین، هزینه‌های پیاده‌سازی و رعایت استانداردهای گزارشگری مالی می‌تواند برای برخی شرکت‌ها بالا باشد، به ویژه برای شرکت‌های کوچک‌تر. یکی دیگر از چالش‌ها، تأثیرپذیری گزارشگری مالی از

1. Dechow et al..

سوگیری‌های مدیریتی است که ممکن است به تحریف اطلاعات مالی به نفع مدیران یا مالکان منجر شود (هیلی و والن^۱، ۱۹۹۹).

حاکمیت شرکتی در دهه‌های اخیر، به‌ویژه پس از بحران‌های مالی جهانی، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. حاکمیت شرکتی به مجموعه‌ای از سازوکارها، اصول و فرایندهایی اطلاق می‌شود که با هدف هدایت و کنترل سازمان‌ها، به‌ویژه شرکت‌های سهامی عام، توسط هیئت مدیره و مدیران ارشد سازمانی به کار گرفته می‌شود. این نظام، چارچوبی برای تعریف و حفظ حقوق و مسئولیت‌های ذی‌نفعان از جمله سهامداران، مدیران و کارکنان شرکت است. همچنین، حاکمیت شرکتی به شفافیت در گزارش‌دهی مالی، پاسخگویی و رعایت اصول اخلاقی در تصمیم‌گیری‌ها کمک می‌کند و در نهایت، به افزایش اعتماد عمومی و بهبود عملکرد بلندمدت شرکت‌ها منجر می‌شود (شلیفر و ویشنی^۲، ۱۹۹۷). در جوامع مختلف، حاکمیت شرکتی به‌عنوان عاملی کلیدی برای رشد پایدار و ایجاد ارزش درازمدت شناخته می‌شود (مدهانی^۴، ۲۰۱۴). حاکمیت شرکتی به دو دسته اصول اصلی تقسیم می‌شود: اصول شفافیت و پاسخگویی. این اصول شامل توجه به حقوق سهامداران، جلوگیری از تضاد منافع و ایجاد سازوکارهایی برای ارزیابی عملکرد مدیریت است (سالتاجی^۵، ۲۰۱۸). در کشورهای مانند آلمان، تمرکز مالکیت و نقش بانک‌ها از عناصر کلیدی حاکمیت شرکتی هستند که به رفع مشکلات در شرکت‌های بزرگ کمک می‌کنند (ادواردز و نیبلر^۶، ۲۰۰۰). حاکمیت شرکتی خوب می‌تواند به بهبود عملکرد مالی و کارایی شرکت‌ها کمک کند. برای مثال، ارزیابی‌ها نشان می‌دهند که اجرای اصول حاکمیت شرکتی به کاهش هزینه‌های سرمایه، افزایش بهره‌وری، و بهبود دسترسی به منابع مالی کمک می‌کند (کلاسنس^۷، ۲۰۰۳). همچنین، حاکمیت شرکتی باعث می‌شود شرکت‌ها نسبت به سرمایه‌گذاران شفاف‌تر و مسئولیت‌پذیرتر عمل کنند و در نتیجه، ارزش افزوده پایداری برای شرکت ایجاد شود (مدهانی، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، اجرای حاکمیت شرکتی به‌ویژه در شرکت‌های بزرگ با تمرکز مالکیت بالا می‌تواند به تضاد منافع بین سهامداران عمده و سهامداران خرد منجر شود، که نظارت دقیق‌تر و سازوکارهای جبران‌کننده را ضروری می‌سازد (بکت و همکاران^۱، ۲۰۰۲). همچنین، وجود قوانین پیچیده و هزینه‌های نظارتی می‌تواند مانعی بر سر راه اجرای کامل اصول حاکمیت شرکتی باشد و برخی از کشورها را از استفاده کامل از مزایای آن بازدارد (فیضی‌زاده^۲، ۲۰۱۴).

مالکیت نهادی به وضعیتی اشاره دارد که در آن نهادهای مالی نظیر صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه، بخش قابل‌توجهی از سهام شرکت‌ها را در اختیار دارند. این نهادها به دلیل تخصص، منابع مالی و ظرفیت نظارتی خود، تأثیر بسزایی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارند. کیفیت گزارشگری مالی به توانایی گزارش‌های مالی در ارائه اطلاعات دقیق، شفاف و قابل اتکا برای تصمیم‌گیری ذی‌نفعان اطلاق می‌شود. مطالعات نشان داده‌اند که مالکیت نهادی نقش نظارتی مهمی در بهبود این کیفیت ایفا می‌کند (ولوری و جنکینز^۳، ۲۰۰۶). مالکیت نهادی از سه ویژگی مهم برخوردار است: اول، افزایش توانایی نظارت و فشار بر مدیریت برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی؛ دوم، اثرگذاری مثبت بر سیاست‌های حسابداری و شفافیت اطلاعاتی؛ و سوم، کاهش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران از طریق ارائه گزارش‌های با کیفیت و دقیق (آدایو^۴، ۲۰۱۷). مطالعات نشان داده‌اند که حضور نهادهای مالکیتی می‌تواند به بهبود کیفیت گزارشگری مالی و کاهش رفتارهای دستکاری در گزارشگری منجر

1. Chen et al.
2. Healy & Wahlen
3. Shleifer & Vishny
4. Madhani
5. Saltaji
6. Edwards & Nibler
7. Claessens

شود، زیرا این نهادها به دلیل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه، انگیزه و توانایی بالایی در نظارت دارند (هان^۵، ۲۰۰۴). مالکیت نهادی به بهبود محافظه‌کاری در حسابداری کمک می‌کند و از طریق اعمال سیاست‌های محافظه‌کارانه، ریسک‌های مرتبط با گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد (آدبایو، ۲۰۱۷). کیفیت بالای گزارشگری مالی که ناشی از نظارت نهادهای بزرگ است، اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کرده و دسترسی شرکت به منابع مالی را آسان‌تر می‌کند (یاسر و همکاران^۶، ۲۰۱۶). با وجود فواید متعدد، مالکیت نهادی می‌تواند چالش‌هایی نیز به همراه داشته باشد. از جمله؛ تمرکز بالای مالکیت نهادی می‌تواند به دلیل تسلط بر تصمیم‌گیری‌ها، منجر به محدود شدن استقلال مدیریتی شود و ریسک تضاد منافع را افزایش دهد (ولوری و جنکینز، ۲۰۰۶). مالکیت نهادی می‌تواند به دلیل انگیزه‌های کوتاه‌مدت بر سیاست‌های مالی شرکت‌ها فشار وارد کند که این موضوع می‌تواند باعث کاهش کیفیت اطلاعات گزارش شده شود (عفان و همکاران^۷، ۲۰۱۷).

مفهوم استقلال هیئت مدیره از اوایل قرن بیستم و هم‌زمان با افزایش رسوایی‌های مالی و نیاز به بهبود حاکمیت شرکتی به‌طور جدی مطرح شد. قوانین نظارتی مانند قانون ساربینز-آکسلی^۸ ۲۰۰۲ در ایالات متحده، شرکت‌ها را ملزم به افزایش استقلال هیئت مدیره کردند تا از تضاد منافع و مدیریت نادرست جلوگیری شود (جیراپورن و همکاران^۹، ۲۰۱۷). استقلال هیئت مدیره به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن تعداد قابل توجهی از اعضای هیئت مدیره مستقل از مدیریت اجرایی هستند و دخالتی در عملیات روزمره سازمان ندارند. این استقلال به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی حاکمیت شرکتی، نقش مهمی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی دارد. کیفیت گزارشگری مالی به توانایی ارائه اطلاعات دقیق و شفاف اشاره دارد که موجب بهبود تصمیم‌گیری ذی‌نفعان می‌شود (پورتر و شرود^{۱۰}، ۲۰۲۳). ویژگی‌های هیئت مدیره مستقل عبارت است از: (۱) اعضای مستقل هیئت مدیره توانایی بیشتری در نظارت بر عملکرد مدیریت دارند، (۲) استقلال باعث می‌شود که تصمیمات هیئت مدیره بدون دخالت منافع اجرایی اتخاذ شوند، (۳) هیئت مدیره مستقل با کاهش مدیریت سود، گزارش‌های مالی شفاف‌تری ارائه می‌دهد (آلوز^{۱۱}، ۲۰۱۴). مطالعات نشان داده‌اند که استقلال هیئت مدیره با کاهش مدیریت سود و افزایش شفافیت مالی مرتبط است (وو و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۷). شفافیت بیشتر در گزارش‌ها اعتماد سهامداران و سرمایه‌گذاران را جلب می‌کند و استقلال هیئت مدیره موجب افزایش پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در قبال ذی‌نفعان می‌شود (براوو و رگوئرا آلوارادو^{۱۳}، ۲۰۱۸). برخی مطالعات نشان داده‌اند که افزایش استقلال هیئت مدیره همیشه به بهبود کیفیت گزارشگری مالی منجر نمی‌شود و عوامل دیگری نیز دخیل هستند (آیفوا و امبله^{۱۴}، ۲۰۱۹). استخدام اعضای مستقل با هزینه‌های مالی و زمانی همراه است و تأثیر استقلال هیئت مدیره به ویژگی‌های فردی اعضای مستقل مانند تجربه و تخصص بستگی دارد (براوو و رگوئرا آلوارادو، ۲۰۱۸).^۲

1. Becht et al.
2. Feizizadeh
3. Velury & Jenkins
4. Adebayo
5. Han
6. Yasser et al
7. Affan et al.
8. Sarbanes-Oxley Act 2002
9. Jiraporn et al.
1. Jiraporn et al.
2. Porter & Sherwood
3. Alves
4. Wu et al.
5. Bravo & Reguera-Alvarado
6. Aifuwa & Embele

رسوایی‌های مالی در دهه‌های اخیر، از جمله پرونده‌هایی نظیر انرون و ورلدکام، نشان‌دهنده اثرات گسترده سوء رفتار مالی بوده است. این موارد منجر به وضع قوانینی مانند قانون ساریینز-آکسلی برای بهبود نظارت و شفافیت مالی شد (وحید^۷، ۲۰۱۶). سوء رفتار مالی شامل اقدامات غیرقانونی یا غیراخلاقی است که موجب نقض قوانین، بی‌اعتمادی عمومی یا آسیب به ذی‌نفعان مالی می‌شود. این رفتارها شامل تقلب در گزارشگری مالی، دستکاری بازار، و استفاده نادرست از اطلاعات داخلی است. سوء رفتار مالی می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر شرکت‌ها، اقتصاد کلان، و اعتماد سرمایه‌گذاران داشته باشد (امیرام و همکاران^۸، ۲۰۱۷). ویژگی‌های سوء رفتار مالی عبارت است از: ۱) سوء رفتار مالی اغلب در قالب روش‌های پیچیده‌ای انجام می‌شود که کشف آن‌ها دشوار است، ۲) سوء رفتار مالی می‌تواند اعتماد عمومی و ارزش سهام را به‌طور چشمگیری کاهش دهد (کلیمچاک و همکاران^۹، ۲۰۲۱). رفتارهای غیراخلاقی معمولاً در سازمان‌هایی با ضعف فرهنگ اخلاقی رایج‌تر است (پارسونز و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۸). مطالعات سوء رفتار مالی می‌توانند به شناسایی نقاط ضعف نظارتی و پیشنهاد راهکارهای بهبود منجر شوند و با بررسی این موارد، نهادهای نظارتی می‌توانند قوانین بهتری برای جلوگیری از وقوع رفتارهای غیراخلاقی تدوین کنند. (امیرام و همکاران، ۲۰۲۰). سوء رفتار مالی باعث کاهش اعتماد عمومی به شرکت‌ها و بازارهای مالی می‌شود و شرکت‌ها ممکن است با هزینه‌های قانونی، جریمه‌ها، و از دست دادن سرمایه‌گذاران مواجه شوند (اگان و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۶). این رفتارها می‌توانند منجر به کاهش رضایت کارکنان و آسیب به شهرت سازمانی شوند (ژو و ماکریدیس^{۱۲}، ۲۰۱۹).

تجدید ارائه صورت‌های مالی به معنای اصلاح و ارائه مجدد اطلاعات مالی است که در گذشته منتشر شده‌اند و حاوی اشتباهاتی بوده‌اند که ممکن است ناشی از خطاهای انسانی، سوء مدیریت، یا اعمال نفوذ باشد. این تجدید ارائه‌ها اغلب به دنبال کشف اشتباهات حسابداری یا عدم رعایت استانداردهای مالی انجام می‌شود و نقش مهمی در شفافیت و اعتمادسازی ایفا می‌کند (سیورز و سوفیکانیچ^{۱۳}، ۲۰۱۹). ویژگی‌های تجدید ارائه صورت‌های مالی عبارت است از: ۱) تجدید ارائه معمولاً به بهبود شفافیت اطلاعات مالی کمک می‌کند، ۲) اعلام تجدید ارائه اغلب باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود، ۳) کیفیت حسابرسی تأثیر زیادی بر احتمال وقوع تجدید ارائه دارد (پیزوها^{۱۴}، ۲۰۱۵). تجدید ارائه به اصلاح اشتباهات مالی کمک کرده و اطلاعات دقیق‌تری ارائه می‌دهد و این فرایند به شفاف‌سازی و ارتقای گزارش‌دهی مالی کمک می‌کند، در نهایت اعلام تجدید ارائه باعث می‌شود که نظارت بر عملکرد مالی افزایش یابد (ویجایا^{۱۵}، ۲۰۲۲). تجدید ارائه می‌تواند منجر به کاهش قیمت سهام و از دست رفتن اعتماد سرمایه‌گذاران شود (کالن و همکاران^{۱۶}، ۲۰۰۵). وقوع تجدید ارائه‌ها می‌تواند نشان‌های از ضعف مدیریتی یا سیستم‌های کنترل داخلی باشد و انجام تجدید ارائه نیازمند منابع مالی و زمانی قابل‌توجهی است (ما و چانگ^{۱۷}، ۲۰۱۵).

جاسم سعید و همکاران (۱۴۰۳) تأثیر حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی با رویکرد شبکه‌های عصبی را بررسی کردند. این مطالعه در شرکت‌های تولیدی و سازمان‌های دولتی عراق با استفاده از داده‌های ماهانه بازه

-
7. Wahid
 8. Amiram et al.
 9. Klimczak et al.
 10. Parsons et al
 1. Egan et al.
 2. Zhou & Makridis
 3. Sievers & Sofilkanitsch
 4. Pyzoha
 5. Wijaya
 6. Callen et al.
 7. Ma & Chang

زمانی ۲۰۱۵ الی ۲۰۲۲ و از تحلیل‌های الگوهای یادگیری ماشین از جمله درخت تصمیم، تقویت گرادیان، ماشین بردار پشتیبانی و شبکه‌های عصبی مصنوعی بهره برده است. نتایج نشان می‌دهد که تأثیر قابل توجه حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی دارد. ولی‌زاده لاریجانی و حسنی (۱۴۰۲) به بررسی ارتباط بین چرخش مدیر واحد حسابرسی داخلی و کیفیت گزارشگری مالی در زمان صدور گزارش حسابرسی مستقل پرداخته‌اند. یافته‌های این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که بین چرخش مدیر واحد حسابرسی داخلی و کیفیت گزارشگری مالی، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین میان چرخش مدیر واحد حسابرسی داخلی با تأخیر در زمان صادر شدن گزارش حسابرسی مستقل، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. اسماعیلی کیا و اوشنی (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه میان پایداری مالی و گزارشگری مالی متقلبانانه پرداخته و نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت سازوکارهای راهبری شرکتی را در این زمینه تحلیل کردند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که پایداری مالی (براساس رشد دارایی‌ها) رابطه‌ای مثبت و معنادار با گزارشگری مالی متقلبانانه دارد. همچنین، کیفیت سازوکارهای راهبری شرکتی تأثیری تعدیل‌کنندگی بر رابطه میان رشد دارایی‌ها و گزارشگری مالی متقلبانانه نداشت، در حالی که این کیفیت رابطه بین **Z-Score** و گزارشگری مالی متقلبانانه را تضعیف می‌کند. باباجانی و همکاران (۱۴۰۰) به تحلیل تأثیر عوامل مدیریت ریسک بنگاه بر کیفیت گزارشگری مالی با توجه به نقش حاکمیت شرکتی پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که حاکمیت شرکتی تأثیر مثبتی بر رابطه بین ریسک سیگما و شفافیت اطلاعات مالی و همچنین بر رابطه بین اندازه شرکت و شفافیت اطلاعات مالی دارد. افزون بر این، حاکمیت شرکتی تأثیر منفی بر رابطه میان ریسک سیگما و کیفیت اقلام تعهدی و تأثیر مثبت بر رابطه بین اندازه شرکت و کیفیت اقلام تعهدی نشان می‌دهد.^۱ عارف منش و همکاران (۱۳۹۹) به مطالعه ارتباط میان بحران‌های مالی و تجدید ارائه صورت‌های مالی پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که میان شدت تجدید ارائه در شرکت‌های دچار بحران و شرکت‌های سالم تفاوت معناداری وجود ندارد. اما خطر ورشکستگی بطور مثبت و معنادار با شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی ارتباط دارد، به عبارت دیگر، با افزایش خطر ورشکستگی، شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی نیز افزایش می‌یابد. لاول و یاهایا^۱ (۲۰۲۴) در تأثیر حاکمیت شرکتی بر گزارشگری یکپارچه، مبتنی بر تئوری نمایندگی، آن‌ها شاخصهایی مانند مالکیت مدیریتی، استقلال هیئت مدیره، تنوع جنسیتی هیئت مدیره و حسابرسی محرک‌های کیفیت گزارش‌دهی یکپارچه در شرکت‌های سهامی عام در نیجریه را پیشنهاد کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تنوع جنسیتی هیئت مدیره و اندازه شرکت تأثیرات آماری معناداری بر گزارش‌دهی یکپارچه دارند، درحالی که مالکیت مدیریتی، استقلال هیئت مدیره، حسابرسی، سودآوری و اهرم شرکت تأثیرات ناچیزی بر گزارش‌دهی یکپارچه دارند. ویجایاتی^۲ (۲۰۲۳) در تحقیقی به بررسی اینکه آیا تأثیر حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های خاص شرکت بر تجدید ارائه مالی وجود دارد یا خیر، پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی تأثیر مثبتی بر تجدید ارائه مالی دارد، در حالی که اندازه هیئت مدیره، کمیسیون‌های مستقل، تخصص کمیته حسابرسی، پاداش مدیران، سن شرکت، اهرم و نقدینگی شرکت تأثیری بر تجدید ارائه مالی ندارند. دواراجار^۳ و همکاران (۲۰۲۲) به تعیین تأثیر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، یعنی اندازه کمیته حسابرسی، استقلال هیئت مدیره، مدیریت چندانگانه، اندازه هیئت مدیره و خدمات غیرحسابرسی بر گزارشگری مالی متقلبانانه بود، پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت چندانگانه و خدمات غیرحسابرسی بطور قابل ملاحظه‌ای با گزارشگری مالی متقلبانانه مرتبط است.^۴ کائووازی و همکاران

1. Lawal & Yahaya

2. Wijayati

3. Devarajar

4. Kaawaase

(۲۰۲۱) به تحلیل ایجاد ارتباط میان ویژگی‌های حاکمیت شرکتی (تخصص هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و عملکرد نقش هیئت مدیره)، کیفیت حسابرسی داخلی و کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از شواهدی از مؤسسات مالی اوگاندا پرداختند. یافته‌های ایشان نشان می‌دهد که تخصص هیئت مدیره و عملکرد نقش هیئت مدیره با کیفیت گزارشگری مالی مرتبط هستند. همچنین، کیفیت حسابرسی داخلی بطور قابل ملاحظه‌ای به کیفیت گزارشگری مالی وابسته است. در حالی که استقلال هیئت مدیره هیچ ارتباطی با کیفیت گزارشگری مالی ندارد. حسان و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های خاص هر شرکت بر ظهور تجدید ارائه مالی در میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس مالزی پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان‌دهنده وجود یک رابطه منفی و معنادار میان پاداش‌های مدیران و عملکرد شرکت و همچنین بروز تجدید ارائه مالی است. افزون بر این، بین اهرم مالی شرکت و وقوع تجدید ارائه مالی رابطه مثبت و معناداری نیز وجود دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از لحاظ طبقه‌بندی بر مبنای هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی است؛ زیرا می‌تواند در شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف برای تصمیم‌گیری، پاسخگویی به نیازها و حل مشکلات مورد استفاده قرار گیرد. از لحاظ طبقه‌بندی بر مبنای روش شناخت از نوع پژوهش‌های توصیفی - همبستگی است؛ چون به شناخت بیشتر شرایط موجود و کمک به فرایند تصمیم‌گیری، همچنین رابطه بین متغیرها بر اساس هدف تحقیق می‌پردازد. از لحاظ ماهیت تحقیق از نوع علی-پس‌رویدادی است؛ چون موضوع پژوهش از نوع کمی است؛ چون برای توصیف و تحلیل پدیده‌های مورد مطالعه از داده‌های شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده می‌شود. از لحاظ بعد زمان و مکان ترکیبی از کتابخانه‌های و میدانی است؛ چون از مقالات و کتاب‌های داخلی و خارجی بهره برده شده است.

۱.۳. فرضیه‌های پژوهش

- (۱) بین مالکیت نهادی و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط وجود دارد.
- (۲) بین استقلال هیئت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط وجود دارد.
- (۳) تجدید ارائه صورت‌های مالی بر رابطه بین مالکیت نهادی و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد
- (۴) تجدید ارائه صورت‌های مالی بر رابطه بین استقلال هیئت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

۲.۳. مدل‌های رگرسیونی پژوهش

مدل (۱):

$$FRQ = \beta_0 + \beta_1 Qwn_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Age_{i,t} + \beta_4 Grow_{i,t} + \beta_5 Lev_{i,t} + \varepsilon_0$$

مدل (۲):

$$FRQ = \beta_0 + \beta_1 Bord_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Age_{i,t} + \beta_4 Grow_{i,t} + \beta_5 Lev_{i,t} + \varepsilon_0$$

مدل (۳):

$$FRQ = \beta_0 + \beta_1 Own_{i,t} + \beta_2 Rest_{i,t} + \beta_3 (Own \times Rest)_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Age_{i,t} + \beta_6 Grow_{i,t} + Lev_{i,t} + \varepsilon_0$$

مدل (۴):

$$FRQ = \beta_0 + \beta_1 Bord_{i,t} + \beta_2 Rest_{i,t} + \beta_3 (Bord \times Rest)_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Age_{i,t} + \beta_6 Grow_{i,t} + Lev_{i,t} + \varepsilon_0$$

که در این مدل‌ها:

FRQ: کیفیت گزارشگری مالی، **Own**: مالکیت نهادی، **Bord**: استقلال هیئت مدیره، **Rest**: تجدید ارائه صورت‌های مالی، **Size**: اندازه شرکت، **Age**: سن شرکت، **Grow**: رشد فروش، **Lev**: اهرم مالی.

۳.۳. جامعه و نمونه آماری پژوهش

این تحقیق در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ بوده که در بورس اوراق بهادار فعالیت داشته و دارای شرایط زیر هستند:

- ۱- جزء شرکت‌های فعال در زمینه سرمایه‌گذاری، مؤسسات و واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بیمه‌ها، بانک‌ها و لیزینگ‌ها نباشند.
- ۲- شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.
- ۳- دلیل محاسبه خطای مدل کیفیت گزارشگر در سطح صنعت، صنایع کمتر از ۵ شرکت حذف نشده‌اند.
- ۴- شرکت‌هایی که در طی بازه زمانی مشخص شده، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
- ۵- شرکت‌هایی که از بورس لغو پذیرش نشده باشند.

برای تعیین نمونه آماری از روش نمونه‌گیری سیستماتیک (منظم) و غربالگری استفاده شده است. به این صورت که در هر مرحله، از میان کلیه شرکت‌های موجود در بازه زمانی مشخص، شرکت‌هایی که دارای شرایط ذیل نبوده‌اند، حذف شده و شرکت‌های باقی مانده برای انجام آزمون انتخاب شدند.

جدول ۱: نحوه انتخاب نمونه

تعداد	تعداد	شرح
۳۸۰		تعداد شرکت‌های جامعه آماری فعال در بازار اول و دوم بورس تا پایان سال ۱۴۰۱
	(۴۶)	شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک، واسطه‌گری مالی، بیمه‌ها، هلدینگ‌ها و لیزینگ‌ها
	(۹۵)	شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه نیست
	(۳۷)	به دلیل محاسبه خطای مدل کیفیت گزارشگر در سطح صنعت، صنایع کمتر از ۵ شرکت حذف می‌شوند
	(۴۵)	شرکت‌هایی که طی دوره پژوهش تغییر سال مالی داشتند

شرکت‌های لغو پذیرش شده از بورس	(۲۴)	
شرکت‌های حذف شده در نمونه آماری پژوهش	(۲۴۷)	
شرکت‌های باقیمانده در نمونه آماری پژوهش	۱۳۳	

۴.۳. تعاریف عملیاتی متغیرها و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها^۱

متغیر وابسته

کیفیت گزارشگری مالی: در این پژوهش از مدل درآمدهای اختیاری مک نیکلز و استابن^۱ (۲۰۰۸) برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی استفاده شده است که به صورت زیر می‌باشد:

$$\Delta AR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Delta Sales_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$\Delta AR_{i,t}$: برابر تغییرات سالانه در حساب‌های دریافتی شرکت i در سال t است.

$\Delta Sales_{i,t}$: برابر تغییرات سالانه درآمدهای فروش شرکت i در سال t است.

همه این متغیرها بر کل دارایی‌های ابتدای دوره تقسیم می‌شوند. باقی‌مانده یا پسمانده این معادله ذکر شده، نشان‌دهنده تغییر در حساب‌های دریافتنی که از طریق تغییر در فروش، قادر به شرح آن نیست. قدر مطلق این مقدار ضربدر ۱- است. به همین شیوه، این شاخص هرچه قدر بالاتر باشد، کیفیت گزارشگری مالی بیشتر است.

متغیرهای مستقل

سرمایه‌گذاران نهادی معمولاً دارای منابع و تخصص کافی برای نظارت بر عملکرد شرکت‌ها هستند؛ این نظارت می‌تواند به کاهش سوء رفتار مالی و بهبود کیفیت گزارشگری مالی منجر شود. هیئت مدیره مستقل می‌تواند نقش مهمی در نظارت بر مدیریت و جلوگیری از سوء رفتار مالی ایفا کند؛ اعضای مستقل هیئت مدیره معمولاً کمتر تحت تأثیر مدیریت قرار می‌گیرند و می‌توانند تصمیمات بهتری برای حفظ شفافیت و صحت گزارش‌های مالی بگیرند. این معیارها به طور کلی به ایجاد یک سیستم حاکمیت شرکتی قوی‌تر و شفاف‌تر کمک می‌کنند که می‌تواند به بهبود کیفیت گزارشگری مالی و کاهش سوء رفتار مالی منجر شود.

مالکیت نهادی (**Inst-Own**): در این پژوهش برای اندازه‌گیری میزان مالکیت سهامداران نهادی، مجموع سهام تحت مالکیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین سرمایه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و بازنشستگی، هلدینگ‌ها، بانک‌ها و بیمه‌ها بر کل تعداد سهام منتشر شده شرکت تقسیم شده است.

استقلال هیئت مدیره (**BI**): در این پژوهش از نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر کل اعضای هیئت مدیره حاصل شده است.

1. Mc Nichols & Stubben

2. Institutional Ownership

متغیر تعدیلگر

سوء رفتار مالی (FM)^۲: سوء رفتار مالی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود: ۱- بیان مجدد (تجدید ارائه صورت‌های مالی) ۲- تقلب ۳- فعالیت‌های اجرایی (ولته، ۲۰۲۱). با این حال می‌توان تقلب و تجدید ارائه صورت‌های مالی را به عنوان دو معیار برای سوء رفتار مالی در نظر گرفت اما در این پژوهش فقط از معیار تجدید ارائه صورت‌های مالی برای اندازه‌گیری سوء رفتار مالی استفاده شده است که به صورت زیر می‌باشد:

تجدید ارائه صورت‌های مالی (Restate)^۳: اگر صورت‌های مالی تجدید ارائه شده باشد عدد یک، در غیر این صورت عدد صفر مدنظر است.^۱

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها استفاده می‌شود.

سن شرکت (Age): از لگاریتم طبیعی تفاضل سال مورد بررسی و سال تأسیس شرکت استفاده می‌شود.

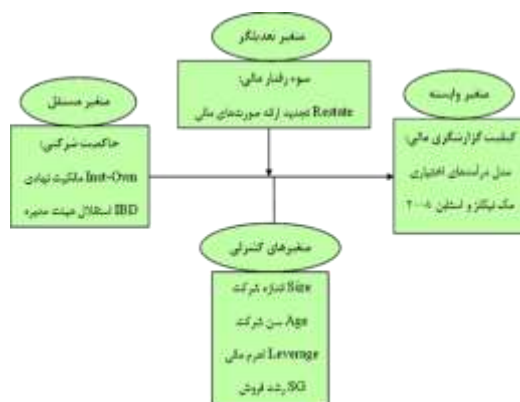
اهرم مالی (Leverage): از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها استفاده می‌شود.

رشد فروش (SG)^۴: از درصد تغییر در فروش برای اندازه‌گیری رشد فروش استفاده می‌شود. رشد فروش برابر است با تفاضل فروش سال جاری با سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل است (دستگیر و مهرجو، ۱۳۹۱)، که نحوه محاسبه آن به صورت زیر می‌باشد:^۲

$$nsg_{i,t} = \frac{\text{net sales}_{i,t} - \text{net sales}_{i,t-1}}{\text{net sales}_{i,t-1}} \times 100$$

در مدل بالا:

$nsg_{i,t}$ = نرخ رشد، $\text{net sales}_{i,t}$ = فروش خالص سال جاری، $\text{net sales}_{i,t-1}$ = فروش خالص سال قبل



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

1. Board Independence
2. Financial misconduct
3. Restatement of financial statements
4. Sales Growth

۴. یافته های پژوهش

متغیرهایی که در این تحقیق به کار برده شده عبارت است از: کیفیت گزارشگری مالی به عنوان متغیر وابسته، مالکیت نهادی و استقلال هیئت مدیره به عنوان متغیرهای مستقل، تجدید ارائه صورت های مالی تحت عنوان متغیر تعدیلی. اندازه شرکت، سن شرکت، رشد فروش و اهرم مالی به عنوان متغیرهای کنترلی. در جدول (۲)، آمار توصیفی متغیرها نشان داده شده است.

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرها - تعداد مشاهدات = ۶۶۵

نام متغیر	نماد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	-۰/۸۵۶	-۰/۰۲۴	-۰/۲۹۳	۰/۵۱۲	-۲/۳۲۵	۳/۹۰۳
مالکیت نهادی	Own	۰/۲۴۰	۰/۷۵۷	۰/۴۲۱	۰/۸۹۵	-۰/۶۲۶	۲/۴۰۳
استقلال هیئت مدیره	Bord	۰/۲۰۲	۰/۸۹۴	۰/۵۰۸	۰/۹۰۱	۰/۴۳۹	۲/۰۹۱
اندازه شرکت	Size	۱۰/۲۰۹	۱۸/۹۸۲	۱۴/۹۰۳	۱/۰۹۴	۰/۵۹۰	۳/۷۶۱
سن شرکت	Age	۲/۸۰۳	۷/۲۶۲۶	۴/۴۴۵	۰/۵۶۷	-۰/۴۰۸	۲/۰۸۳
رشد فروش	Grow	-۰/۱۰۶	۳/۹۰۳	۰/۴۰۸	۰/۷۷۴	۰/۹۰۶	۵/۴۴۶
اهرم مالی	LEV	۰/۱۰۳	۱/۷۵۴	۰/۴۵۴	۰/۷۹۰	۰/۸۰۹	۳/۹۵۷

نتایج آمار توصیفی در جدول (۲) نشان می دهد که میانگین کیفیت گزارشگری مالی شرکت های نمونه برابر ۰/۲۹- بوده و در حد مطلوب قرار ندارد. کمترین میزان کیفیت گزارشگری مالی برابر ۰/۸۵- و پایین و بیشترین شرکت دارای کیفیت ۰/۰۲- بوده است. به طور میانگین حدود ۴۲٪ از مالکیت شرکت های عضو بورس اوراق بهادار، تحت مالکیت سازمان ها و نهادهای بزرگ بوده است. کمترین میزان مالکیت نهادی حدود ۲۴٪ و بیشترین میزان آن حدود ۷۵٪ می باشد. محاسبات نشان می دهد که در حدود ۵۰٪ از مدیران به صورت مستقل در شرکتها حضور دارند. استقلال هیئت مدیره در کمترین مقدار خود برابر با حدود ۲۰٪ و در بیشترین مقدار آن برابر ۸۹٪ بوده است، و این بدین معنی است که حدود نصف اعضای هیئت مدیره شرکت های بورسی اعضای غیرموظف هستند. اندازه شرکتها از لحاظ مجموع دارایی ها به طور لگاریتم میانگین برابر ۱۴/۹ است. رشد فروش شرکت های نمونه در حد ۴۰٪ و قابل قبول است. در میان نمونه ها شرکتی بوده که رشد فروش (۰/۱۰۶-) آن منفی بوده است، درحالی که در شرکت هایی نیز رشد فروش تا ۳ برابر نیز افزایش داشته است. شاخص میانگین ۴۵٪ اهرم مالی نشان می دهد این شاخص معقول است و حاکی از آن است که حدود ۴۵ درصد از دارایی های شرکتها به طور میانگین بدهی بوده است. محاسبات جدول در ستون ضریب چولگی و ضریب کشیدگی متغیرها زیاد قابل توجه نبوده و می توان پیش بینی کرد که داده ها از تناسب خوبی برخوردار هستند و توزیع داده ها در اجرا و تحلیل رگرسیون مناسب است.

۲.۴. آمار توصیفی متغیر کیفی تجدید ارائه صورت‌های مالی

با توجه به اینکه این متغیر از نوع صفر و یک و کیفی است، بنابراین توزیع فراوانی آن محاسبه شده که در جدول زیر فراوانی و درصد فراوانی آن نشان داده شده است؛

اگر صورت‌های مالی تجدید ارائه شده باشد عدد یک، در غیر این صورت عدد صفر مدنظر است.

جدول ۳: توزیع فراوانی متغیر تجدید ارائه صورتهای مالی (Rest)

صفر و یک	تعداد	درصد
۰	۲۶۷	۴۱٪
۱	۳۹۸	۵۹٪
مجموع	۶۶۵	۱۰۰٪

همانطور که در جدول (۳) مشخص است، از مجموع کل شرکت / سال‌های مورد بررسی، در تعداد ۲۶۷ سال / شرکت یعنی ۴۱٪، صورت‌های مالی تجدید شده ارائه نکرده‌اند، درحالی که در ۳۹۸ مورد از تجدید ارائه استفاده کرده‌اند.

۳.۴. آزمون نرمال بودن داده‌ها

نرمال بودن متغیرها، مخصوصاً متغیر وابسته در مدل‌های رگرسیونی، از مهمترین شرط انجام آزمون‌های پارامتریک می‌باشد و یکی از مهمترین مفروضات تخمین مدل‌های رگرسیون محسوب می‌شود. به منظور بررسی اینکه آیا متغیرهای تحقیق دارای توزیع نرمال هستند یا خیر؟ از آزمون جاکو-برا در ایوبوز برای تست آن استفاده شده است. فرضیه‌های آماری این آزمون به قرار زیر است:

H_0 : توزیع داده‌ها نرمال است.

H_1 : توزیع داده‌ها نرمال نیست.

جدول (۴) نتیجه آزمون جاکو-برا را برای متغیر وابسته نشان می‌دهد.

جدول ۴: آزمون نرمال بودن متغیر وابسته

متغیرها	آماره جاکو-برا	مقدار احتمال
کیفیت گزارشگری مالی	۱/۸۴۵	۰/۸۵۴

نتایج آزمون جاکو-برا در جدول فوق نشان می‌دهد که توزیع داده‌های متغیر وابسته تغییرات کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌ها نرمال است، چون مقدار سطح معناداری آن بزرگتر از ۵٪ است.

۴.۴. آزمون مانایی (ریشه واحد) در متغیرهای پژوهش

در مطالعات، این فرض مطرح شده است که سری‌های زمانی باید مانا باشند و در صورت عدم وجود این ویژگی، اعتبار آزمون‌های آماری مبتنی بر t ، F ، χ^2 و ... به چالش کشیده خواهد شد. ازسوی دیگر، اگر متغیرهای سری‌های زمانی مانا نباشند، ممکن است مشکل رگرسیون کاذب به وجود آید. یک سری زمانی در صورتی مانا به حساب می‌آید که میانگین، واریانس و ضریب خود همبستگی آن در طول زمان ثابت بماند. برای بررسی مانایی از آزمون ریشه واحد^۱ استفاده شده است که یکی از معمول‌ترین آزمون‌هایی است که برای تشخیص مانایی (ایستایی) یک فرایند سری زمانی و حتی پنل دیتا مورد استفاده قرار می‌گیرد. آزمون پایا بودن متغیرها برای جلوگیری از رگرسیون کاذب ضرورت دارد. جهت بررسی پایایی متغیرها از آزمون لوین، لین و چو^۲ استفاده شده است. نتایج آزمون لوین، لین و چو در جدول (۵) آورده شده است.

جدول ۵- نتایج مانایی متغیرها با آزمون لوین، لین و

چو

متغیرها	نمونه‌ها در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۴۰۱		
	نتیجه	سطح احتمال Probability	آماره لوین، لین و چو
کیفیت گزارشگری مالی	مانا	۰,۰۰۰	-۱۶,۰۹۲
مالکیت نهادی	مانا	۰,۰۰۰	-۱۱,۸۵۱
استقلال هیئت‌مدیره	مانا	۰,۰۰۰	-۱۳,۹۵۵
اندازه شرکت	مانا	۰,۰۰۰	-۱۳,۵۰۹
سن شرکت	مانا	۰,۰۰۰	-۹,۷۷۶
رشد فروش	مانا	۰,۰۰۰	-۸,۱۵۱
اهرم مالی	مانا	۰,۰۰۰	-۱۰,۲۸۶

با توجه به داده‌های ذکرشده در جدول (۴-۵) تمام متغیرهای مورد مطالعه در سطح اطمینان ۹۵ مانا محسوب می‌شوند، چون سطح احتمال ($Prob.=0,000$) همه آن‌ها کوچکتر از ($0/05$) است. بنابراین می‌توان اطمینان حاصل کرد که در تخمین مدل‌ها دچار رگرسیون کاذب نمی‌شویم.

1. Unit Root Test

2. Levin- Lin- Chu

۵.۴. انتخاب الگوی مناسب رگرسیون (آزمون F لیمر)

در تحلیل و تفسیر داده‌های از نوع پانل (تابلویی) لازم است که نوع الگوی متناسب با شرایط رگرسیون و داده‌ها مورد بررسی قرار بگیرد. برای این منظور ابتدا با استفاده از آزمون اف-لیمر (چاو) اقدام به انتخاب الگوی اثرات مقید (Pooled Data) و در مقابل اثرات نامقید (Panel Data) می‌کنیم. فرض صفر در آزمون چاو بیانگر تشابه عرض از مبدأها در سطح شرکت‌ها و سال‌های مختلف است. لذا، در صورت عدم رد فرض صفر، ساختار pool یا اثرات مقید الگوی مناسب خواهد بود. فرض مقابل نیز حاکی از عدم تشابه عرض از مبدأها در سطح شرکت‌ها یا سال‌های مختلف می‌باشد. لذا، در صورت رد فرضیه صفر، ساختار panel اثرات ثابت یا تصادفی الگوی مناسب خواهد بود.

جدول ۶- نتایج الگوی رگرسیون مدل‌ها با آزمون F-لیمر

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
مدل (۱)	۱,۳۴۶	۰,۱۰۶	پذیرش الگوی اثرات مقید (رگرسیون تجمیعی)
مدل (۲)	۵,۷۹۸	۰,۰۰۴	پذیرش الگوی داده‌های تابلویی
مدل (۳)	۱,۳۱۶	۰,۱۲۶	پذیرش الگوی اثرات مقید (رگرسیون تجمیعی)
مدل (۴)	۱,۰۷۸	۰,۲۹۴	پذیرش الگوی اثرات مقید (رگرسیون تجمیعی)

نتایج آزمون چاو در جدول (۶) حاکی از این است که در مدل اول، سوم و چهارم به دلیل اینکه مقدار سطح معناداری آزمون اف-لیمر بیشتر از (۰/۰۵) است؛ بنابراین مدل رگرسیون حداقل مربعات تجمیع شده برای تخمین این سه مدل مناسب است؛ برای برآورد مدل دوم از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. با توجه به اینکه برای مدل دوم الگوی پانل پذیرفته شده است، بنابراین بایستی تست آزمون هاسمن برای مشخص شدن اینکه این اثرات باید ثابت و یا تصادفی باشد، مورد نیاز است. فرض صفر در آزمون هاسمن بیانگر عدم وجود همبستگی بین مقادیر عرض از مبدأها در بین سال‌ها و شرکت‌های مختلف با متغیرهای توضیحی است. لذا، در صورت عدم رد فرض صفر، ساختار panel با اثرات تصادفی الگوی مناسب‌تری می‌باشد.

جدول ۷- نتایج آزمون هاسمن برای مدل (۲)

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
مدل (۲)	۱۵,۳۵۱	۰,۰۰۳	پذیرش اثرات ثابت عرض از مبدأ

نتایج آزمون هاسمن نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر انتخاب روش با اثرات تصادفی برای تخمین مدل در سطح معنی‌دار ۵ درصد رد شده و برای برآورد مدل (۲) از الگوی پانل دیتا و روش اثرات ثابت استفاده می‌شود.

۶.۴. آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه (۱): بین مالکیت نهادی و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط وجود دارد. برای آزمون فرضیه اول از تخمین مدل (۱) و الگوی رگرسیون حداقل مربعات تجمیع شده استفاده می‌شود که نتایج حاصل از آزمون این فرضیه به صورت جدول زیر می‌باشد:

جدول ۸- نتیجه آزمون مدل (۱)

متغیر وابسته: کیفیت گزارشگری مالی					
$FRQ = \beta_0 + \beta_1 Own_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Age_{it} + \beta_4 Grow_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مالکیت نهادی	Own	-۰,۰۶۴	۰,۰۱۲	۵,۳۳۳ -	۰,۰۰۲
اندازه شرکت	Size	-۰,۰۲۶	۰,۰۰۶	۴,۴۵۸ -	۰,۰۰۱
سن شرکت	Age	۰,۰۰۷۲	۰,۰۱۵۴	۰,۴۸۱	۰,۶۳۰
رشد فروش	Grow	۰,۰۱۲	۰,۰۰۳۴	۳,۶۲۶	۰,۰۰۴
اهرم مالی	LEV	۱,۶۲۸	۰,۵۸۴	۲,۷۸۷	۰,۰۱۲
مقدار ثابت مدل	C	۲,۰۶۹	۱,۰۸۷	۱,۹۰۳	۰,۰۹۲
متغیر همبستگی مرتبه اول	AR(1)	-۰,۳۱۴	۰,۰۷۲	۴,۳۶۳ -	۰,۰۰۰
سایر آماره‌های اطلاعاتی					
آماره F = ۴,۴۴۵ سطح معناداری = ۰,۰۰۲			ضریب تعیین $(R^2) = ۰,۳۱۷$		
آماره دوربین واتسون = ۲,۱۶۵			ضریب تعیین تعدیل شده $(R^2_{adj.}) = ۰,۲۹۴$		
ناهمسانی واریانس = ۴,۲۵۱ سطح معناداری = ۰,۰۰۰			خودهمبستگی سریالی = ۱۲,۵۷۰ سطح معناداری = ۰,۰۰۰		

با توجه به اینکه در مدل خود همبستگی سریالی وجود دارد، بنابراین برای رفع آن، در تخمین مدل از رگرسیون خودکار با همبستگی مرتبه اول $AR(1)$ استفاده شده است. نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که آماره فیشر (F) برابر با ۴/۴۴۵ و سطح معناداری آن برابر ۰/۰۰۲ و کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین مدل در آماره F معنادار است و مدل برازش شده از اعتبار کافی

برخوردار است. مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۲/۱۶۵ و بین ۱/۵ الی ۲/۵ قرار دارد، پس بین خطاهای مدل رگرسیون استقلال خطی وجود دارد. سطح معناداری متغیر نسبت مالکیت نهادی برابر ۰/۰۰۲ و کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه صفر را رد نمود و فرضیه تحقیق مورد تأیید است، یعنی بین مالکیت نهادی و کیفیت گزارشگری مالی یک رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. از متغیرهای کنترلی تحقیق نیز اندازه شرکت با ضریب منفی و رشد فروش و اهرم مالی با ضرایب مثبت و با سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵، در مدل معنادار هستند. ضریب تعیین تعدیل شده برابر است با ۰/۲۹۴ و نشان می‌دهد که ترکیب متغیر مستقل مالکیت نهاد و متغیرهای کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند به میزان حدود ۲۹٪ از تغییرات متغیر وابسته کیفیت گزارشگری مالی را توضیح دهند.

فرضیه (۲): بین استقلال هیئت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط وجود دارد. برای آزمون فرضیه دوم از تخمین مدل (۲) و با الگوی پانل دیتا از نوع اثرات ثابت در عرض از مبدا استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم در جدول زیر آمده است:

جدول ۹- نتیجه آزمون مدل (۲)

متغیر وابسته: کیفیت گزارشگری مالی					
$FRQ = \beta_0 + \beta_1 bord_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Age_{it} + \beta_4 Grow_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
استقلال هیئت مدیره	Own	-۰,۱۰۸	۰,۰۲۸	۳,۸۴۱ -	۰,۰۰۷
اندازه شرکت	Size	-۰,۰۹۸	۰,۰۲۲	۴,۴۵۴ -	۰,۰۰۱
سن شرکت	Age	۰,۰۱۷	۰,۰۸۷	۰,۱۹۵	۰,۸۰۷
رشد فروش	Grow	۰,۱۲۴	۰,۰۲۴	۵,۱۶۷	۰,۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰,۰۹۸	۰,۰۴۶	۲,۱۳۰	۰,۰۳۷
مقدار ثابت مدل	C	۱,۰۴۹	۱,۱۰۷	۱,۹۴۷	۰,۷۲۴
متغیر همبستگی مرتبه اول	AR(1)	-۰,۳۵۷	۰,۰۶۶	۵,۴۰۹ -	۰,۰۰۰
سایر آماره‌های اطلاعاتی					
آماره F = ۶,۳۰۸ ، سطح معناداری = ۰,۰۰۰		ضریب تعیین (R2) = ۰,۳۲۱			
آماره دوربین واتسون = ۲,۱۰۷		ضریب تعیین تعدیل شده (R2adj.) = ۰,۳۰۷			
ناهمسانی واریانس = ۶,۰۰۷		خودهمبستگی سریالی = ۱۰,۹۰۴			
سطح معناداری = ۰,۰۰۰		سطح معناداری = ۰,۰۰۰			

در مدل (۲) هم خودهمبستگی سریالی تأیید شده و هم ناهمسانی واریانس وجود دارد. برای رفع خودهمبستگی سریالی در این مدل نیز از رگرسیون خودکار مرتبه اول $AR(1)$ استفاده شده است. مقدار آماره فیشر (F) برابر با ۶/۰۰۷ و سطح معناداری آن برابر ۰/۰۰ و کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین این مدل در آماره F معنادار است. با توجه به مقدار آماره دوربین-واتسون، بین خطاهای مدل رگرسیون عدم همبستگی خطی وجود دارد. سطح معناداری استقلال هیئت مدیره برابر ۰/۰۰۷ و کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه صفر را رد نمود و فرضیه تحقیق مورد تأیید است، یعنی بین استقلال هیئت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد. از متغیرهای اندازه شرکت با ضریب منفی ۰/۰۹۸- و رشد فروش با شدت ۰/۱۲۷ و اهرم مالی با ضریب ۰/۰۹۸ مثبت در مدل معنادار هستند، چون سطح معناداری آن‌ها کوچکتر از ۰/۰۵ است. اما سن شرکت با کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری نشان نمی‌دهد. ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۳۰۷) و نشان می‌دهد که ترکیب متغیر استقلال هیئت مدیره همراه با ترکیب متغیرهای کنترلی موجود در مدل به اندازه حدود ۳۰ درصد از واریانس متغیر کیفیت گزارشگری مالی را تبیین می‌کنند.

فرضیه (۳): تجدید ارائه صورت‌های مالی بر ارتباط بین مالکیت نهادی و کیفیت گزارشگری مالی نقش تعدیلی دارد. با توجه به نتایج آزمون F -لیمر، برای آزمون این فرضیه نیز از الگوی رگرسیون حداقل مربعات تجمیع شده استفاده می‌گردد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم در جدول زیر آمده است:

جدول ۱۰- نتیجه آزمون مدل (۳)

متغیر وابسته: کیفیت گزارشگری مالی					
$FRQ = \beta_0 + \beta_1 Own_{it} + \beta_2 Rest_{it} + \beta_3 (Own_{it} * Rest) + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Age_{it} + \beta_6 Grow_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مالکیت نهادی	Own	-۰,۱۶۵	۰,۰۵۶	۲,۹۴۶	۰,۰۱۲
تجدید ارائه صورت‌های مالی	Rest	۰,۰۹۶	۰,۰۳۱	۳,۰۹۶	۰,۰۰۸
مالکیت نهادی*تجدید صورت‌های مالی	Own*Rest	-۰,۰۶۶	۰,۰۲۴	۲,۶۹۷	۰,۰۱۷
اندازه شرکت	Size	-۱,۰۴۹	۱,۱۰۴	۰,۹۵۰	۰,۵۰۴
سن شرکت	Age	۰,۰۲۷	۰,۰۸۵	۰,۳۱۷	۰,۷۰۷
رشد فروش	Grow	۰,۲۲۴	۰,۰۲۹	۷,۷۲۴	۰,۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰,۰۷۸	۰,۰۳۱	۲,۵۱۶	۰,۰۳۲
مقدار ثابت مدل	C	۱,۱۰۹	۱,۱۰۷	۱,۰۰۱	۰,۲۸۰
متغیر همبستگی مرتبه اول	AR(1)	-۰,۲۵۷	۰,۰۴۱	۶,۲۶۸	۰,۰۰۰

	-				
سایر آماره‌های اطلاعاتی					
ضریب تعیین $(R^2) = ۰,۴۳۲$			آماره $F = ۶,۳۱۴$ سطح معناداری $= ۰,۰۰۰$		
ضریب تعیین تعدیل شده $(R^2_{adj.}) = ۰,۴۱۴$			آماره دوربین واتسون $= ۱,۷۷۲$		
خودهمبستگی سریالی $= ۸,۳۰۹$			ناهمسانی واریانس $= ۶,۰۸۱$		
سطح معناداری $= ۰,۰۰۰$			سطح معناداری $= ۰,۰۰۰$		

با توجه به سطح معناداری آماره **F- white** که برابر با $۰/۰۰۰$ است، نشان‌دهنده وجود ناهمسانی واریانس در مدل می‌باشد که برای رفع آن از مدل رگرسیون تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. در این مدل تیز آماره **F** معنادار و استقلال بین خطاهای مدل تأیید شده است. سطح معناداری تعامل تجدید ارائه صورت‌های مالی با مالکیت نهادی ($Own_{it} * Rest$)، برابر $۰/۰۱۷$ و کوچکتر از $۰/۰۵$ است و نشان می‌دهد که فرضیه سوم مورد تأیید است و تجدید ارائه صورت‌های مالی با شدت $۰/۰۶۶$ - ارتباط بین مالکیت نهادی و کیفیت گزارشگری مالی را تعدیل می‌کند. از متغیرهای کنترلی تحقیق نیز اندازه و سن شرکت در مدل معنادار نیستند، ولی رشد فروش و اهرم مالی در مدل رگرسیون معنادار هستند و یک ارتباط مستقیم با کیفیت گزارشگری مالی دارند. در این مدل ضریب تعیین تعدیل شده برابر $(۰/۴۱۴)$ و نشان می‌دهد که ترکیب متغیرهای توضیح‌دهنده و متغیرهای کنترلی موجود در مدل به اندازه حدود ۴۱ درصد از واریانس متغیر کیفیت گزارشگری مالی را توضیح می‌دهند.

فرضیه (۴): تجدید ارائه صورت‌های مالی بر ارتباط بین استقلال هیئت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی نقش تعدیلی دارد. الگوی رگرسیون حداقل مربعات تجمیع شده بوده و نتایج حاصل از آزمون این فرضیه به صورت جدول زیر است:

جدول ۱۱- نتیجه آزمون مدل (۴)

متغیر وابسته: کیفیت گزارشگری مالی					
$FRQ = \beta_0 + \beta_1 Own_{it} + \beta_2 Bord_{it} + \beta_3 (Own_{it} * Bord) + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Age_{it} + \beta_6 Grow_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
استقلال هیئت مدیره	Bord	-۰,۱۱۶	۰,۰۳۴	۳,۴۱۱	۰,۰۱۲
تجدید ارائه صورتهای مالی	Rest	۰,۱۹۷	۰,۱۰۸	۱,۸۲۴	۰,۰۶۴
استقلال هیئت مدیره*تجدید صورتهای مالی	Bord*Rest	۰,۹۵۲	۰,۶۲۸	۱,۵۱۵	۰,۰۹۱
اندازه شرکت	Size	۱,۰۸۲	۰,۲۵۸	۴,۱۹۳	۰,۰۰۰
سن شرکت	Age	-۰,۰۳۹	۰,۰۶۲	۰,۶۲۹	۰,۲۰۸
رشد فروش	Grow	۰,۳۱۳	۰,۰۸۲	۳,۸۱۷	۰,۰۰۶

اهرم مالی	LEV	۰,۲۹۱	۱,۰۲۷	۰,۲۸۳	۰,۴۳۱
مقدار ثابت مدل	C	۲,۱۸۷	۱,۰۴۷	۲,۰۸۸	۰,۰۲۴
متغیر همبستگی مرتبه اول	AR(1)	-۰,۲۸۴	۰,۰۴۱	۶,۹۲۶	۰,۰۰۰
سایر آماره‌ها اطلاعاتی					
آماره $F = ۸,۰۱۴$ ، سطح معناداری $= ۰,۰۰۰$	ضریب تعیین $(R^2) = ۰,۱۲۷$				
آماره دوربین واتسون $= ۱,۹۰۲$	ضریب تعیین تعدیل شده $(R^2_{adj.}) = ۰,۱۰۴$				
ناهمسانی واریانس $= ۶,۱۸۱$	خودهمبستگی سریالی $= ۵,۸۰۴$				
سطح معناداری $= ۰,۰۰۰$	سطح معناداری $= ۰,۰۰۰$				

بر اساس محاسبات جدول (۱۱)، مدل در آماره F معنادار و استقلال بین خطاهای مورد تایید است. در مدل (۴)، خود همبستگی سریالی خطاها تأیید شده که برای رفع آن از رگرسیون خودکار مرتبه اول $AR(1)$ استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری ناهمسانی که برابر با $۰/۰۰۰$ است، نشان‌دهنده وجود ناهمسانی واریانس در مدل رگرسیون می‌باشد که برای رفع آن از مدل رگرسیون تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. سطح معناداری تعامل تجدید ارائه صورت‌های مالی با استقلال هیئت مدیره ($Own_{it} * Bord$)، برابر $۰/۰۹۱$ و بزرگتر از $۰/۰۵$ است و نشان می‌دهد که فرضیه چهارم تأیید نشده است. یعنی تجدید ارائه صورت‌های مالی نمی‌تواند در رابطه بین استقلال هیئت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی نقش تعدیلی ایفا نماید. از متغیرهای کنترلی تحقیق نیز اندازه شدت و رشد فروش در مدل معنادار هستند ولی سن شرکت و اهرم مالی در مدل رگرسیون معنادار نیستند. در فرضیه چهارم که تأیید نشده، ضریب تعیین تعدیل شده برابر $(۰/۱۰۴)$ محاسبه شده و ترکیب متغیرهای توضیحی تحقیق تنها به اندازه حدود ۱۰ درصد توانسته‌اند واریانس متغیر کیفیت گزارشگری مالی را توضیح دهند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رابطه معکوس میان مالکیت نهادی و کیفیت گزارشگری مالی به دلایل مختلفی شکل می‌گیرد. از یک سو، انتظار می‌رود نهادهای مالی با تخصص و منابع کافی، کیفیت گزارشگری را بهبود دهند و مدیران را به شفافیت بیشتر ملزم کنند. از سوی دیگر، برخی نهادها ممکن است منافع کوتاه‌مدت خود را اولویت دهند و با مدیریت همکاری کنند تا گزارش‌های خوش‌بینانه ارائه دهند، که این امر کیفیت گزارشگری را کاهش می‌دهد. تفاوت در سطح نظارت نهادها نیز مؤثر است؛ مثلاً صندوق‌های شاخص‌محور معمولاً نظارت محدودی اعمال می‌کنند و نهادهای مالی بزرگ به دلیل گستردگی سرمایه‌گذاری‌ها، تمایل کمتری به فشار بر مدیران دارند. همچنین، مدیران ممکن است به اشتباه تصور کنند نهادهای مالی مالکیت بالا به خروج از شرکت تمایلی ندارند، لذا نیاز به گزارش دقیق را کمتر احساس کنند. این عوامل می‌تواند به جای بهبود، موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی شود.

رابطه معکوس میان استقلال هیئت‌مدیره و کیفیت گزارشگری مالی به عواملی مانند نقش نظارتی هیئت و محدودیت‌های عملی آن بازمی‌گردد. استقلال هیئت‌مدیره با حضور اعضای غیرموظف تعریف می‌شود که وظیفه نظارت و جلوگیری از تضاد منافع را دارند. با این حال، عدم آگاهی کافی از فعالیت‌های اجرایی و محدودیت دسترسی به اطلاعات داخلی، توانایی این اعضا را در تحلیل دقیق داده‌های مالی کاهش می‌دهد و وابستگی آن‌ها به مدیران اجرایی را افزایش می‌دهد. این وابستگی می‌تواند نظارت مؤثر را تضعیف کرده و زمینه دست‌کاری گزارش‌ها را فراهم کند. علاوه بر این، مشغله‌های متعدد یا محدودیت زمانی اعضای مستقل باعث کاهش نظارت دقیق آن‌ها بر فرایندهای مالی می‌شود و نقش استراتژیک آنان موجب می‌گردد که در تهیه

گزارش‌های مالی کمتر دخالت داشته باشند. در نتیجه، علی‌رغم تأثیر نظری مثبت استقلال، محدودیت‌های عملی به رابطه‌ای معکوس میان استقلال هیئت‌مدیره و کیفیت گزارشگری مالی می‌انجامد.

تجدید ارائه صورت‌های مالی، اغلب نشان‌دهنده خطا یا تقلب در گزارش‌های قبلی است و تأثیر منفی بر رابطه بین مالکیت نهادی و کیفیت گزارشگری مالی دارد. این امر، ضعف نظارت نهادی بر گزارش‌ها، کاستی در بررسی‌های پیشین، و احتمال تعارض منافع را برجسته می‌کند، به‌ویژه زمانی که منافع کوتاه‌مدت بر نظارت مؤثر اولویت می‌یابد. همچنین، این مسئله ضعف مدیریتی یا سوءنیت مدیران را آشکار کرده و اعتماد نهادهای مالی به اطلاعات شرکت را کاهش می‌دهد. کاهش اعتماد، انگیزه نهادهای مالی را برای نظارت دقیق‌تر و بهبود گزارشگری را تضعیف کرده و برای سرمایه‌گذاران محافظه‌کار نشان‌های از ریسک بالا محسوب می‌شود. در نهایت، این پدیده ناکارآمدی نظارت نهادی را نمایان ساخته، رابطه مثبت بالقوه میان مالکیت نهادی و کیفیت گزارشگری را معکوس کرده و پیامدهای منفی بلندمدتی برای شفافیت و صداقت گزارش‌های مالی به همراه دارد.

نتایج نشان می‌دهد استقلال هیئت مدیره به تنهایی تضمین‌کننده کیفیت گزارشگری مالی نیست. اعضای مستقل هیئت مدیره بیشتر بر سیاست‌گذاری کلان تمرکز دارند و دسترسی مستقیم به اطلاعات مالی جزئی ندارند، که این امر توانایی آن‌ها را در پیشگیری از خطاها و تجدید ارائه محدود می‌کند. عوامل ساختاری مانند تمرکز بر مسائل کلان و دسترسی محدود به اطلاعات دقیق، تأثیرگذاری هیئت مدیره مستقل بر بهبود گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، سیستم‌های داخلی حسابداری، فرهنگ سازمانی، و اخلاق حرفه‌ای مدیران اجرایی عوامل مؤثری بر کیفیت گزارشگری مالی هستند که استقلال هیئت مدیره نمی‌تواند جایگزین آن‌ها شود. بنابراین، تضمین کیفیت گزارشگری مالی نیازمند ترکیبی از نظارت هیئت مدیره، ساختارهای داخلی کارآمد، و تعهد مدیران به اصول اخلاقی است و استقلال هیئت مدیره به تنهایی نمی‌تواند از خطاهای گزارشگری یا تجدید ارائه جلوگیری کند.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر بیان نمود:

۱- به قانون‌گذاران توصیه می‌شود مقرراتی تصویب کنند که نظارت سرمایه‌گذاران نهادی و شفافیت مالی را تقویت کرده، از دست‌کاری گزارش‌های مالی جلوگیری کند، کیفیت گزارشگری را بهبود بخشد و انگیزه ارائه گزارش‌های دقیق‌تر را افزایش دهد.

۲- به شرکت‌ها توصیه می‌شود با تقویت سیستم‌های نظارتی داخلی و تدوین سیاست‌های شفاف تجدید ارائه، از دست‌کاری گزارش‌های مالی جلوگیری کرده، استقلال هیئت مدیره را تضمین و با بهبود کیفیت گزارشگری مالی، اعتماد سهامداران را افزایش دهند.

۳- به مدیران توصیه می‌شود ضمن حفظ استقلال و پاسخگویی به هیئت مدیره مستقل، با سرمایه‌گذاران نهادی تعامل کنند و کیفیت گزارشگری مالی را ارتقا دهند. همچنین، دلایل تجدید ارائه را شفاف توضیح داده و برای بهبود کیفیت گزارش‌ها اقدامات لازم را انجام دهند.

۴- به ذی‌نفعان توصیه می‌شود با بررسی ساختار مالکیت نهادی، ریسک دست‌کاری گزارش‌های مالی را کاهش دهند. سهامداران و سرمایه‌گذاران می‌توانند از شرکت‌ها و هیئت مدیره مستقل، اطلاعات شفاف درباره تجدید گزارش‌های مالی درخواست کنند تا منافعی که حفظ و عملکرد مالی شفاف است.

منابع

اسماعیلی‌کیا، غریبه و اوشنی، محمد، (۱۴۰۱). پایداری مالی شرکت و گزارشگری مالی متقبلانه: نقش کیفیت سازوکارهای راهبری شرکتی. دانش حسابداری، ۱۳(۲)، صص ۸۳-۹۴.

باباجانی، ابوالفضل؛ جبارزاده کنگرلوئی، سعید؛ بحری ثالث، جمال و پاکمرام، عسگر، (۱۴۰۰). اثر عوامل مدیریت ریسک بنگاه بر کیفیت گزارشگری مالی با نقش تعاملی حاکمیت شرکتی. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، ۱۳(۵۶)، صص ۷۵-۱۱۰.

جاسم سعید، غیاث؛ زواری رضایی، اکبر و کاظمی، توحید. (۱۴۰۳). تأثیر حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و حسابداری بخش عمومی بر عملکرد مالی با رویکرد شبکه‌های عصبی (مورد مطالعه: عراق). *حسابداری و بودجه‌ریزی بخش عمومی*، ۵(۱)، صص ۲۵-۶۴.

چالاکی، پری؛ غیور، فرزاد و باقری، کاوه. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین افشای اختیاری حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۸(۲۹)، صص ۳۹-۶۰.

دستگیر، محسن و مهرجو، احسان، (۱۳۹۱). بررسی اثر تغییرات اجزاء اقلام تعهدی عملیاتی بر سودآوری شرکت‌ها. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۵(۴)، صص ۴-۲۱.

عارف‌منش، زهره؛ قدیریان آرانی، محمدحسین و قدیریان آرانی، زهره. (۱۳۹۹). بحران مالی و تجدید ارائه صورت‌های مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۷(۶۷)، صص ۲۰۳-۲۲۷.

مراد زاده فرد، مهدی و عدیلی، مجتبی، (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و عملکرد سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۳(۲)، صص ۱۴۱-۱۶۲.

موسوی‌شیری، محمود؛ قدردان، احسان و حسینی، هاجرالسادات، (۱۳۹۸). نقش چرخش حساب‌برسان داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی، *دانش حسابرسی*، ۱۹(۷۴)، صص ۷۷-۱۰۶.

مهدوی، غلامحسین و رضایی، غلامرضا، (۱۳۹۲). بررسی اثرات کیفیت گزارشگری مالی بر سیاست تقسیم سود، *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۵(۱۷)، صص ۱-۳۲.

ولی‌زاده لاریجانی، اعظم و حسینی، فهیمه، (۱۴۰۲). چرخش مدیر حسابرسی داخلی؛ کیفیت گزارشگری مالی و زمان رسیدگی حسابرس مستقل، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۰(۱)، صص ۱۹۱-۲۰۸.

- Adebayo, A.A. (2017). Institutional Ownership: A Driver of Accounting Conservatism and Reporting Quality. *International journal of innovative research and development*, 6(6), pp. 136-147.
- Affan, M.W., Rosidi & Purwanti, L. (2017). The Effect of Ownership Structure on the Quality of Financial Reporting Of Manufacturing Companies Listed In the IDX during the Period of 2013-2015. *Imperial journal of interdisciplinary research*, 3.
- Aifuwa, H.O & Embele, K. (2019). Board Characteristics and Financial Reporting. *Journal of Accounting and Financial Management*, 5(1), pp. 30-44.
- Alves, S. (2014). The Effect of Board Independence on the Earnings Quality: Evidence from Portuguese Listed Companies. *The Australasian Accounting Business and Finance Journal*, 8(3), pp. 23-44.
- Amiram, D., Bozanic, Z., Cox, J. D., Dupont, Q., Karpoff, J. M & Sloan, R. G. (2017). Financial reporting fraud and other forms of misconduct: A multidisciplinary review of the literature. *Review of Accounting Studies*, 23(3), pp. 732-783.
- Amiram, D., Huang, S & Rajgopal, S. (2020). Does financial reporting misconduct pay off even when discovered?. *Review of Accounting Studies*, 25(3), pp. 811-854.
- Arnaboldi, F., Casu, B., Gallo, A., Kalotychou, E & Sarkisyan, A. (2021). Gender diversity and bank misconduct. *Journal of Corporate Finance*, 71(1), pp. 1-61.
- Becht, M., Bolton, P & Röell, A. (2002). Corporate Governance and Control. *Handbook of the Economics of Finance*. 1, pp. 1-109.
- Bravo, F & Reguera-Alvarado, N. (2017). Do independent director's characteristics influence financial reporting quality?. *Spanish Journal of Finance and Accounting*, 47(1), pp. 25-43.
- Brody, R. G., Melendy, S. R & Perri, F. S. (2012). Commentary from the American accounting association's 2011 annual meeting panel on emerging issues in fraud research. *Account Horiz*, 26(3), pp. 513-531.
- Callen, J. L., Livnat, J & Segal, D. (2005). Accounting restatements. *Journal of Investing*, 15(3), pp. 57-68.

- Chen, F., Chen, S & Wei, K. C. J. (2021). Financial Reporting Quality and Investment Efficiency: Evidence from Emerging Markets. *Journal of Corporate Finance*, 67, pp. 101899.
- Claessens, S. (2003). Corporate Governance and Development. *The World Bank Research Observer*, 21(1), pp. 91-122.
- Dechow, P. M., Ge, W & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), pp. 344-401.
- Devarajar, M., Shahrudin, M. S., Pitchay, A. A., Haron, H & Ganesan, Y. (2022). Corporate governance and fraudulent financial reporting among Malaysian public listed companies. *International Journal of Law Government and Communication*, 7(29), pp. 81-95.
- Edwards, J. S & Nibler, M. (2000). Corporate Governance in Germany: The Role of Banks and Ownership Concentration. *Economic Policy*, 15(31), pp. 238-267.
- Egan, M., Matvos, G & Seru, A. (2016). The Market for Financial Adviser Misconduct. *Journal of Political Economy*, 127(1), pp. 233 - 295.
- Feizizadeh, A. (2014). SEBI and Corporate Governance. *TIJ's Research Journal of Economics & Business Studies - RJEBS*, 3.
- Habib, A & Jang, H. (2015). Corporate governance and financial reporting quality in China: A survey of recent evidence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 24, pp. 29-45.
- Hammersley, J. S. (2011). A review of model of auditor judgment in fraud-related planning tasks. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 30(4), pp. 101-128.
- Han, S. (2004). Ownership Structure and Quality of Financial Reporting. *Korea University Business School*.
- Hasanan, S., Mohd Razali, M. H & Mohamed Hussain, A. R. (2020). The effect of corporate and governance and firm-specific characteristics on the incidence of financial restatement. *Journal of Financial Crime*. 28(1). pp. 244-267.
- Hasanan, S., Rahman, R. A ., & Mahenthiran, S. (2013). Management motive, weak governance, earnings management, and fraudulent financial reporting: Malaysian evidence. *Journal of International Accounting Research*, 12(1), pp. 1-27.
- Healy, P. M & Wahlen, J. M. (1999). A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting. *Accounting Horizons*, 13(4), pp. 365-383.
- Jiraporn, P., Chintrakarn, P., Tong, S & Treepongkaruna, S. (2017). Does board independence substitute for external audit quality? Evidence from an exogenous regulatory shock. *Australian Journal of Management*, 43(1), pp. 27 - 41.
- Kaawaase, T. K., Nairuba, C., Akankunda, B & Bananuka, J. (2021). Corporate governance, internal audit quality and financial reporting quality of financial institutions. *Asian Journal of Accounting Research*. 6(3), pp. 348-366.
- Khatib, S. F. A & Nour, A. (2021). The impact of corporate on firm performance during the COVID-19 pandemic: evidence form Malaysia. *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(2), pp. 0943-0952.
- Klimczak, K., Sison, A., Prats, M. A & Torres, M. B. (2021). How to deter financial misconduct if crime pays?. *Journal of Business Ethics*, 179, pp. 205-222.
- Lawal, R & Yahaya, O. A. (2024). The impact of corporate governance in intergrated reporting. *Management Decision*, 61(1), pp. 370-392.
- Ma, Z & Chang, Y. (2015). Correlation Analysis of Board Characteristics and Financial Restatement in Real Estate Listed Companies, pp. 977-986.
- Madhani, P. M. (2014). Corporate Governance: Compliance or Competitive Advantage?. *Vision Research-A National Research Journal* (ISSN 2250-2025), 4(1), pp. 96-104.

- Madhani, P. M. (2007). Corporate Governance: Journey from Compliance to Competitive Advantage. Enhancing Enterprise Competitiveness (Strategy, Operations and Finance), RK Jain, P. Gupta, U. Dhar, eds, Pp. 19-33.
- Mc Nichols, M & Stubben, S. (2008). Does earnings management affect firms' investment decisions?. *The Accounting Review*, 83(6), pp. 1571-1603.
- Parsons, C., Sulaeman, J & Titman, S. (2018). The Geography of Financial Misconduct: The Geography of Financial Misconduct. *Journal of Finance*, 73(5), pp. 2087-2137.
- Porter, C & Sherwood, M. (2023). The effect of increases in board independence on financial reporting quality. *Accounting Research Journal*, 36(2/3), pp. 109-128.
- Pyzoha, J. S. (2015). Why do restatements decrease in a clawback environment? An investigation into financial reporting executives' decision-making during the restatement process. *The Accounting Review*, 90(6), pp. 2515-2536.
- Rasyid, A & Ardana, C. (2014). Corporate governance, audit firm size and restated financial statement in Indonesia stock exchange. *Corporate Board Role Duties and Composition*, 10(2), pp. 77-84.
- Saltaji, I. (2018). Corporate Governance: A General Review. *Internal Auditing and Risk Management*, 50(4), pp. 56-63.
- Shleifer, A & Vishny, R.W. (1996). A Survey of Corporate Governance. *The Journal of Finance*, 52(2), pp. 737-783.
- Sievers, S & Sofilkantsch, C. (2019). Determinants of financial misreporting: a survey of the financial restatement literature.
- Velte, P. (2021). The link between corporate governance and corporate financial misconduct. A review of archival studio and implications for future research. *Management Review Quarterly*, 73, pp. 353-411.
- Velury, U & Jenkins, D.S. (2006). Institutional ownership and the quality of earnings. *Journal of Business Research*, 59(9), pp. 1043-1051.
- Wahid, A. (2016). The effects and the mechanisms of board gender diversity: Evidence from financial manipulation. *Journal of Business Ethics*, 159(3), pp. 705-725.
- Wijaya, F. (2022). Relevance of Value and Determinants of Restatement Financial Statements. *Eduvest - Journal of Universal Studies*. 2(9). pp. 1800-1810.
- Wijayati, F. L. (2023). Financial restatement on manufacture sector company reviewed from the aspect of corporate governance and company-specific characteristics. *Accounting and Finance Studies*, 3(1), pp. 325-339.
- Wu, Q., Wang, P & Yin, J. (2007). Audit committee, board characteristics and quality of financial reporting: An empirical research on Chinese securities market. *Frontiers of Business Research in China*, 1, pp. 385-400.
- Yasser, Q.R., Mamun, A.A. and Ahmed, I. (2016). Quality of financial reporting in the Asia-Pacific region: The influence of ownership composition. *Review of International Business and Strategy*, 26(4), pp. 543-560.
- Zhou, Y & Makridis, C. (2019). Financial misconduct and changes in employee satisfaction.